



آیا رییس جمهور وعده‌اش به مردم بادغیس و فراه را عملی می‌کند؟



پس از اعتراضات گسترده مردمی در ولایت‌های بادغیس و فراه، سرانجام نماینده‌گان این ولایت‌ها در پارلمان روز شنبه، پنجم میزان، با رییس جمهور غنی و برخی مقام‌های ارشد حکومت دیدار کردند. خواست اصلی مردم در بادغیس و فراه، سهم‌گیری در ساختار حکومت و تقرر کدرهای‌شان در پُست‌های بلندرتبه حکومتی است. اعتراض‌ها در بادغیس چندین روز ادامه داشت و هم‌زمان در فراه نیز معرفی والی جدید، با تاخیر انجام شد. بر اساس خبرنامه ارگ ریاست جمهوری، رییس جمهور در دیدار با نماینده‌گان ولایت‌های بادغیس و فراه در پارلمان، پذیرفته است که فهرست کدرهای معرفی شده توسط آن‌ها را بررسی می‌کند و افرادی که شایسته‌گی داشته باشند، در پُست‌های حکومتی گماشته می‌شوند. با این وجود، برخی فعالان مدنی به وعده‌های رییس جمهور بی‌باور هستند و تاکید دارند که تاکنون بخش بزرگی از تعهدات انتخاباتی و وعده‌های رییس جمهور در جریان سفر به این ولایت‌ها، عملی نشده است.



خشونت علیه زنان؛

در هر ماه امسال دست کم ده زن به قتل رسیده‌اند

آیا به رسمیت شناختن خط دیورند برای افغانستان صلح به ارمغان خواهد آورد؟

آلمان و مساله صلح افغانستان

گفت‌وگوهای صلح افغانستان میان هیات جمهوری اسلامی افغانستان و هیات مذاکره‌کننده طالبان در دوحه، پایتخت قطر، یک بار دیگر توجه نهادهای بین‌المللی و کشورهای همکار و حامی افغانستان را جلب کرد، تا جایی که در نشست چند روز پیش شورای امنیت سازمان ملل متحد، شمار زیادی از رهبران کشورهای مهم از جمله ایالات متحده امریکا و آلمان به گفت‌وگوهای صلح افغانستان پرداختند و...



مواد مخدر و گفت‌وگوهای صلح



مواد مخدر در کنار ناامنی، یکی از چالش‌های بزرگ مردم افغانستان است. مواد مخدر به عنوان یکی از عوامل افزایش خشونت‌ها و بی‌ثباتی در افغانستان و منطقه می‌باشد. اکنون که بعد از چند دهه جنگ و تباهی فرصت گفت‌وگوهای صلح میان افغانان مساعد شده، بهتر است از این فرصت تاریخی برای پایان جنگ استفاده کنیم. بعد از فروپاشی رژیم طالبان، افغانستان در مسیر تحول و پیش‌رفت قرار گرفت و...

ارزیابی سازمان ملل متحد ۷۵ سال بعد از تأسیس آن



جنگ جهانی دوم بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون تن کشته برجای گذاشت و کشورهای زیادی ویران شدند. بعد از جنگ، سران دولت‌های پیروز خواستند تا جهان نو را پایه‌ریزی کنند. یکی از ابتکارات مهم‌شان، تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ بود. اکنون که ۷۵ سال از آن می‌گذرد، فرصتی است تا کارکرد آن را تقدیر و یا هم مورد انتقاد قرار دهیم. آیا سازمان ملل متحد آینده روشن در پیش دارد یا آینده آن تاریک و غم‌بار خواهد بود؟

نیروهای امنیت ملی از یک حمله انتحاری گروه داعش در ننگرهار جلوگیری کردند

۸ صبح، کابل: ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد که نیروهای قطعات ویژه این ریاست با اجرای عملیاتی از یک حمله انتحاری سازمان‌یافته گروه داعش در ننگرهار جلوگیری کرده‌اند. طبق اعلام امنیت ملی، گروه داعش در تلاش بود تا حمله‌ی انتحاری را بر یک نشست مشترک نیروهای امنیتی، بزرگان قوم و چهره‌های با نفوذ ولایت ننگرهار اجرا کند.

در اعلامیه ریاست عمومی امنیت ملی که روز یک‌شنبه، ششم میزان نشر شد، آمده است که «نبی‌الله» و شش نفر از تسهیل‌گران گروه داعش در صدور اجرای این حمله انتحاری بوده‌اند. در عملیاتی که برای خنثاسازی این حمله اجرا شده است، محمدرحیم مشهور به قاری قاسم بازداشت شده است. امنیت ملی از قاری قاسم به عنوان مسوول انفجارهای شهری گروه داعش برای ولایت ننگرهار یاد کرده است.

در این عملیات چند واسکت انتحاری، مواد انفجاری و جنگ‌افزارهای سبک‌وسنگین به دست نیروهای امنیت ملی افتاده است.



هزار سرباز جدید آموزش ابتدایی نظامی را فراگرفتند



۸ صبح، کابل: وزارت دفاع ملی اعلام کرده است که هزار سرباز جدید پس از فراگیری تعلیمات ابتدایی نظامی، فارغ شده‌اند. این وزارت روز یک‌شنبه، ششم میزان با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این سربازان در جریان دوازده هفته، تعلیمات ابتدایی نظامی را تحت «شرایط سخت» فرا گرفته‌اند و اکنون آماده‌اند تا از «جان و مال مردم» در برابر حملات گروه‌های مخالف مسلح، محافظت کنند. این وزارت تأمین صلح با عزت و با افتخار در کشور است، اما در مقابل هر گونه نیت و اعمال «بد دشمن» ایستاده‌گی خواهد کرد و نخواهد گذاشت تا تروریستان به جان و مال مردم آسیب برسانند. قرار است که این سربازان در ولایت‌های مختلف کشور به هدف تأمین هرچه بهتر امنیت مستقر شوند.

پولیس یک موتر را با چهار تن مواد انفجاری در کابل ضبط کرد

۸ صبح، کابل: وزارت امور داخله می‌گوید که یک موتر را با چهار تن مواد انفجاری در کابل ضبط کرده است. طارق ارین، سخنگوی این وزارت روز یک‌شنبه، ششم میزان به روزنامه ۸ صبح گفت که این مواد از یک موتر نوع «هازدا» به دست آمده است. به گفته وی، در این موتر چهار تن مواد انفجاری «سودیم نایتریت» انتقال داده می‌شد که از سوی پولیس در جاده عمومی پل چرخ، از مربوطات ناحیه نهم شهر کابل کشف و ضبط شده است. وی افزود که این موتر شب گذشته در

چهار روستا در کندز از وجود طالبان پاک‌سازی شد

۸ صبح، بدخشان: مقامات امنیتی در ولایت کندز می‌گویند که در نتیجه یک عملیات مشترک در ولسوالی علی‌آباد این ولایت، چهار روستا از وجود طالبان پاک‌سازی شده است و شماری از اعضای این گروه نیز کشته و زخمی شده‌اند.

هجرت‌الله اکبری، سخنگوی پولیس کندز، گفت که در نتیجه عملیات مشترک نیروهای امنیتی در ولسوالی علی‌آباد ولایت کندز، روستاهای «رمضانی»، «ملاحسین»، «خیر گدا» و «قاسم‌علی» از وجود جنگ‌جویان طالبان پاک‌سازی شده است.

وی افزود که در جریان این عملیات هشت جنگ‌جوی طالب به شمول یک سرگروه‌شان کشته و ۱۲ تن دیگرشان زخمی شده‌اند. هم‌چنان وی گفت که در جریان این عملیات، یک عراده واسطه این گروه تخریب و ۱۱ حلقه ماین نیز کشف و خنثا شده است. پیش از این، جنگ‌جویان طالبان بر پاسگاه‌های امنیتی در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز حمله کردند که در نتیجه آن، هشت نیروهای امنیتی کشته شدند. گفتنی است که درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی و طالبان در جریان هفته گذشته ادامه یافت و ۱۷ جنگ‌جوی طالب نیز در آن کشته شدند.





خليل رسولي

هر شب به امید این‌که خبری از صلح بشنود، جلو تلویزیون می‌نشیند و برای دقایقی به آن خیره می‌شود؛ اما این امید هنوز به ثمر ننشسته و انتظار دارد که شیی دیگر این خبر را بشنود. می‌گوید شنیدن این خبر تمام خسته‌گی‌های چهل‌ساله‌اش را می‌رباید و دلش را روشن می‌کند. او از سختی‌های کارش برایم قصه کرد و باز چکشی بر آهن سرخ‌شده‌ای که در میان انبرش قفل شده بود، کوبید.

عبدالغفار رحیمی، آهنگری دارد و این شغل میراث خانواده‌اش است و از همین راه، نان‌ش را از میان شعله‌های آتش و فولاد سخت، به دست می‌آورد. برایم قصه کرد با این‌که در جریان روز کارش بسیار نفس‌گیر است، اما علاقه‌مند پی‌گیری رویدادهای خبری است و باید در هر حالت به خبرها گوش دهد.

او می‌گوید جز بسته‌های خبری چند تلویزیون مطرح ملی، دیگر هیچ کدام از برنامه‌های رسانه‌ها را نمی‌بیند. از وی پرسیدم چرا خبر می‌بیند؟ اصلاً در لابه‌لای خبرهای مایوس‌کننده افغانستان، به دنبال چیست و بیش‌تر دوست دارد کدام خبرها را از رسانه‌ها دنبال کند؟ گفت آرزو دارم خبر برقراری صلح را بشنوم تا دلم آرام گیرد. این مرد میان‌سال، در جریان بخش زیادی از زنده‌گی‌اش، با چکش فلزی قوی و بزرگ، سنگ‌دان و کوره‌ای که سوختش زغال‌سنگ است و گرمای آن آهن را ذوب می‌کند، همدم بوده است.

سفارش‌های مشتریان را با دست در همین کوره می‌سازد. بازوهایش چهل سال می‌شود به ضربه زدن عادت کرده است. عبدالغفار، روایت می‌کند که هر چیزی در آهنگری‌اش می‌سازد، داس، تیر، کلنگ، زنجیر و خیلی از چیزهایی که می‌شود با حرارت دادن و ضربه زدن از آهن ساخت. با او به کارگاهش رفتم که در آن پنج آهنگر مشغول کار بودند. یکی از آهنگران پشت دستگاه کارش با من گفت‌وگو کرد. با هر ضربه‌ی چکش



که از دستگاه روی پارچه‌ای آهن می‌خورد، آهن سخت و فولادین به شکل تیشه‌ای مستحکم نزدیک می‌شد.

هر ضربه از چکش دستگاه کوبنده که بر آهن سرخ‌شده فرود می‌آمد، آهن تغییر شکل می‌داد و عرق از پیشانی عبدالغفار و دیگر همکارانش می‌ریخت. از او پرسیدم اگر صلح بیاید چه اتفاقی می‌افتد. گفت: «مشخص است کاروبارم از این‌که هست، بهتر می‌شود و به جای پنج شاگرد ۱۰ تا استخدام می‌کنم، به دیگر ولایت برای فروش ساخته‌هایم سفر می‌کنم و کاروبارم را گسترش می‌دهم.»

به باور نصیراحمد، شاگرد این کارگاه، آهنگری شغل پرسروصدایی است و باید به سروصداهای چکش و گرمای سوزان کوره عادت کرد. هم‌چنان گاهی ممکن است آهنی را برداری که داغ است و دست‌ت را بسوزاند. او با من قصه می‌کرد که از کارش راضی است و پس از خسته‌گی یک روز پرکار، خواب و خوراک برایش لذتی چند برابر دارد.

کارگاه آهنگری عبدالغفار در یکی از خیابان‌های قدیمی شهر هرات، اندکی دورتر از هیاهوی دکان‌ها و منازل مسکونی، موقعیت دارد. او برایم گفت که سه برادر دیگرش هم آهنگر اند، یکی در کارگاه خودش، دیگری در جایی دیگر از هرات و سومی در ولایت کابل به این شغل که از اجدادش برای‌شان میراث مانده، با آهن و آتش در حال نبرد هستند.

روایت مردم از «جنگ و صلح» چیست؟

بعد از گفت‌وگو با عبدالغفار و شاگردانش، به «دروازه ملک» یکی از مناطق قدیمی و مشهور هرات، سراغ یکی دیگر از آهنگران کهنه‌کار این شهر رفتم. او داشت به آهنی که از کوره داغ بیرون کشیده بود، با چکش می‌کوبید تا از آن چاقویی تیز و قوی برای مالک یک قصابی بسازد. وقتی با او احوال‌پرسی کردم و خواستم لحظه‌ای به حرف‌هایش گوش دهم، با خوش‌رویی از من استقبال کرد.

عبدالجبار مرادی، گفت سال‌ها است که آهنگری کسب‌وکارش شده و در واقع پیشه‌ی میراثی خانواده‌اش است. وقتی درباره‌ی صلح از او پرسیدم، آهی کشید و حس کردم به رسم اعتراض و خشم که چرا صلح نمی‌آید، ضربه‌ای محکم‌تر بر فلز سرخ‌شده کوبید. اندکی مکث کرد و سپس گفت: کاش صلح بیاید تا کاروبار همه‌گی خوب شود.

او همانند عبدالغفار، فقط وقت برای شنیدن خبرها داشت. وی برایم گفت: «صلح باعث می‌شود کشور ما آباد گردد و کودکان ما درس بخوانند تا آینده کشور بهتر از هم‌نسلان من شود.» دکان عبدالجبار بسیار کوچک است، اما ضربه‌های چکشی که با دستان کم‌توانش بر آهن داغ برخورد می‌کرد، حیرت‌آور بود.

آن‌گونه که عبدالجبار برایم قصه کرد، آرزو دارد صلح بیاید، مذاکرات حکومت و طالبان به نتیجه‌ای برسد و دیگر جنگ نباشد و چهار فرزند دختر و پسرش در فضای آرام درس بخوانند تا آینده‌ی آن‌ها بهتر از پدرشان شود که زیر سایه سیاه جنگ زنده‌گی کرده است.

مانند عبدالغفار و عبدالجبار، شمار زیادی از مردم افغانستان، پس از سپری کردن روز کاری‌شان زیر سایه بیم و ترس جنگ و خشونت، شب‌ها برای شنیدن خبری خوش از مذاکرات صلح در قطر، به تلویزیون خیره می‌شوند.

مردمی که سیاهی جنگ زنده‌گی آنان را تیره کرده و آتش خشونت‌ها خانه و کاشانه‌شان را ویران کرده است، تنها یک روپا دارند؛ این‌که روزی کبوتر خسته صلح، به رام خانه‌های جنگ‌زده کشورشان بنشینند و خبر پایان جنگ را بشنوند.

سازمان همکاری‌های شانگهای چه اهمیتی برای افغانستان دارد؟

مقدماتی در مورد ایجاد خط ریل از جانب افغانستان تکمیل شده است و کار امتداد خط آهن از ترکمنستان به افغانستان جریان دارد و عنقریب به افغانستان می‌رسد.

سازمان همکاری‌های شانگهای و فرصت‌های سیاسی در افغانستان
برخی آگاهان به این باوراند که عضویت افغانستان در سازمان شانگهای، فرصت‌های خوب سیاسی را برای این کشور ایجاد می‌کند. به گونه‌ی نمونه افغانستان می‌تواند از حضور خود در این سازمان برای حفظ ثبات و امنیتش بهره بگیرد و بالای کشورهایی که منافع‌شان را در هرج‌ومرج و ناامنی افغانستان می‌بینند و از تروریسم به عنوان ابزار استفاده می‌کنند، فشار وارد کند تا از ایجاد ناامنی، حمایت از هراس‌افگنی، ترویج و گسترش خشونت در منطقه دست بردارند. در کنار این خوش‌بینی‌ها، نگرانی‌هایی هم وجود دارد که می‌تواند درخواست عضویت افغانستان را در سازمان همکاری‌های شانگهای با چالش روبه‌رو کند. افغانستان با ایالات متحده امریکا و ناتو موافقت‌نامه امنیتی و استراتژیک امضا کرده است و در حال حاضر از لحاظ سیاسی در اردوگاه امریکا و ناتو قرار دارد؛ در حالی که گفته می‌شود سازمان همکاری‌های شانگهای به هدف ایجاد توازن قدرت در برابر ناتو و مهار تهدیدهایی که از آدرس ناتو برای این منطقه متصور است، بنیان گذاشته است.
با این حال برخی آگاهان به این باور اند که این مساله با وجود موقعیت خوب جغرافیایی و اهمیت بالای اقتصادی افغانستان برای کشورهای عضو شانگهای، می‌تواند برای عضویت افغانستان در این سازمان مشکل‌آفرین شود.

قرارداد استخراج مس عینک لوگر را برنده شد و تا حدی کار آن را به پیش برد، اما با اوج گرفتن ناامنی‌ها کار استخراج این معدن متوقف شد و در کنار آن سرمایه‌گذاران چینی از سرمایه‌گذاری در معادن دیگر افغانستان پا به عقب کشیدند و به گونه‌ای عطش سرمایه‌گذاری‌شان در افغانستان فرو نشست. افغانستان در برنامه یک راه یک کمربند (Belt and Road) که از سوی حکومت چین در حال عملی شدن است، نقش محوری دارد. گذشته از آن افغانستان پس از پاکستان بیش‌ترین کالاهای مورد نیازش را از چین وارد می‌کند.

این‌ها همه می‌توانند اهمیت اقتصادی و ترانزیتی افغانستان را نزد چینی‌ها بالا ببرند و سبب شوند تا به عضویت افغانستان در سازمان شانگهای از سوی قدرت‌های این سازمان چراغ سبز نشان داده شود. گذشته از آن افغانستان در یکی دو سال پسین قراردادهای مهم اقتصادی را با کشورهای آسیای میانه (TA) به امضا رسانیده است که به گونه‌ی نمونه می‌توان از امضای تفاهم‌نامه‌ی پروژه‌ی انتقال انرژی کشورهای آسیای میانه به کشورهای جنوب آسیا موسوم به «کاسا ۱۰۰۰» و «تاپی» و امضای تفاهم‌نامه موسوم به انتقال ۵۰۰ کیلووات برق ترکمنستان به افغانستان یاد کرد.

افغانستان هم‌چنین در تلاش ساخت خط آهن با کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان و ایران است که این خط می‌تواند افغانستان را از لحاظ تجارت و ترانزیت به نقطه اتصال مرکز، جنوب و غرب آسیا مبدل کند. رییس جمهور غنی در حاشیه شانزدهمین نشست سازمان همکاری‌های شانگهای در دیدار با رییس جمهور قرغیزستان گفته است که کارهای مطالعات

ایمل جمعهزاده
محصل مقطع ماستری روابط بین‌الملل در چین

سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، اوزبیکستان، قرغیزستان و تاجیکستان پایه‌گذاری شد. مغلستان، ایران، پاکستان و هند به عنوان کشورهای ناظر در این سازمان حضور دارند. افغانستان نیز در سال ۲۰۱۲ شامل کشورهای ناظر این سازمان شد. پس از آن‌که افغانستان به عنوان ناظر این سازمان پذیرفته شد، حکومت افغانستان تاکنون چندین بار درخواست عضویت دایمی سازمان همکاری‌های شانگهای را داده است.

اشتراک رییس جمهور غنی در سازمان همکاری‌های شانگهای

در سال ۲۰۱۸ رییس جمهور غنی و رهبران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای یک بار دیگر تاکید کردند که افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش ظرفیت آن را دارد تا به یک مرکز تجارتی در منطقه مبدل شود. تقویت و گسترش همکاری‌های نظامی، سیاسی و امنیتی، حفظ ثبات منطقه، مبارزه علیه جدایی‌طلبی و مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر از اهداف عمده‌ی کشورهای عضو سازمان شانگهای است. گفته می‌شود این کشورها از چند لحاظ علاقه‌مند پیوستن افغانستان به عنوان عضو دایمی به این سازمان هستند، ولی هنوز در این مورد به گونه‌ی روشن موضع‌گیری نکرده‌اند.

اهمیت اقتصادی و ترانزیتی افغانستان
چین علاقه‌مند سرمایه‌گذاری در معادن و ذخایر طبیعی افغانستان است و در سال‌های گذشته

خشونت علیه زنان؛ در هر ماه امسال دست کم ده زن به قتل رسیده‌اند



حبيب پېش

آمارهای نشان می‌دهد که قضایای حاد خشونت علیه زنان، به ویژه موارد قتل، در جریان شش ماه اخیر افزایش یافته است. وزارت امور زنان می‌گوید که دست‌کم ۶۱ زن در جریان نیمه اول سال جاری به قتل رسیده‌اند. از این میان، حدود ۲۵ مورد آن تنها در چهار ماه نخست به ثبت رسیده و سایر موارد قتل زنان در دو ماه اخیر اتفاق افتاده است. افزون بر این، دست‌کم ۱۰ زن به دلایل مختلف در جریان دو هفته اخیر به قتل رسیده‌اند. آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز حکایت از روزهای خشونت‌بار برای زنان دارد و بر اساس آن، حدود ۱۰۰ زن در جریان نیمه‌ی اول سال میلادی به قتل رسیده‌اند. در مجموع اما آمار خشونت‌ها علیه زنان تا حدودی ثابت باقی مانده است. بر مبنای آمار وزارت امور زنان، سه هزار و ۸۹۸ قضیه خشونت علیه زنان در نیمه‌ی اول سال روان در این وزارت ثبت شده است. بخش جندر وزارت صحت عامه اما می‌گوید که آمار خشونت‌ها علیه زنان در نیمه‌ی اول سال مبتنی بر پوشش این وزارت، از ۱۵ هزار مورد بیش‌تر است.

بر اساس آمارهای نهادهای رسمی، زنان افغان خشونت‌بارترین روزها را پشت سر می‌گذارند. هرچند خشونت علیه زنان در کشور حرف تازه‌ای نیست، اما افزایش قضایای حاد خشونت، نگرانی‌هایی را به همراه داشته است. وزارت امور زنان اما می‌گوید که در جریان شش ماه اول سال جاری، دست‌کم ۶۱ زن به قتل رسیده‌اند و افزون بر این، موارد دیگری از خشونت‌های حاد نیز ثبت شده است. رویا دادرس، سخنگوی این وزارت، به روزنامه ۸صبح گفت که بر اساس گزارش‌های رسیده به این وزارت، خشونت خانواده‌گی در کشور افزایش یافته و شمار زیادی از موارد خشونت‌های حاد نیز ثبت شده است.

در بخش قضایای حاد خشونت علیه زنان، سرپل، نیمروز، کندز، کاپیسا، لوگر، بلخ، کابل، تخار، قندهار، فراه، فاریاب و برخی دیگر از ولایت‌ها در فهرست حضور دارند. قضایای حاد خشونت علیه زنان، موارد قتل، خودکشی، مجروحیت، حلق‌آویز کردن، تجاوز جنسی و اختطاف را شامل است. این آمار در حالی ثبت می‌شود که بر اساس ارقام وزارت امور زنان، تنها ۱۷ زن در جریان چهار ماه اول سال جاری به قتل رسیده‌اند و هفت زن دیگر نیز خودکشی کرده‌اند. این آمار در آخرین روز ماه سرطان سال روان از سوی معین این وزارت در یک نشست خبری ارایه شد. بدین ترتیب، سایر آمار قتل‌های زنان در جریان دو ماه اخیر اتفاق افتاده است. تنها در جریان دو هفته اخیر، دست‌کم ۱۰ زن در ولایت‌های کاپیسا، پروان، سرپل، نیمروز و

خشونت علیه زنان؛

در هر ماه امسال دست کم ده زن به قتل رسیده‌اند

برخی دیگر از ولایت‌ها به قتل رسیده‌اند. بر اساس مجموع خشونت‌ها و به احتساب ولایت‌ها، هرات، فاریاب، ننگرهار، بغلان، تخار، فراه، کندهار، بلخ، سمنگان و بامیان به ترتیب در صدر فهرست بیش‌ترین موارد خشونت علیه زنان قرار گرفته‌اند.

آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز به سهم خود از روزهای خشونت‌بار زنان حکایت دارد. ذبیح‌الله فرهنگ، رییس نشرات و رسانه‌های این کمیسیون، روز یک‌شنبه، ششم میزان، به روزنامه ۸صبح گفت که نزدیک به ۱۰۰ زن در جریان نیمه‌ی اول سال میلادی به قتل رسیده‌اند. افزون بر این، ۱۳ زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و مواردی از خشونت‌های خانواده‌گی و آزار و اذیت نیز ثبت شده است. وی با ابراز نگرانی از وضعیت زنان، گفت که «آینده تاریک به نظر می‌رسد» و این نهاد علاوه بر ابعاد اجتماعی-فرهنگی، شاهد نقض حقوق زنان در درگیری‌های امنیتی است. باید گفت که در واقع، آمارهای وزارت امور زنان مواردی را شامل می‌شود که خشونت‌ها در آن اتفاق افتاده و سپس در این وزارت ثبت و پی‌گیری شده است.

بر اساس خبرهای ۸صبح در جریان روزهای اخیر، یک زن در قندهار، دو زن در تخار، یک زن در پروان، یک زن در سرپل و یک زن در نیمروز و برخی دیگر در سایر ولایت‌ها کشته شده‌اند. در آخرین مورد، یک دختر جوان به دلیل این‌که موبایل دختر کاکایش از نزدش یافت شده بود، روز جمعه، چهارم میزان، از سوی خانواده‌اش در کاپیسا کشته شد. دختر کاکای او، دو روز پیش از این رویداد از خانه فرار کرده بود.

لت‌وکوب بیش‌ترین میزان قضایا در میان سه هزار و ۸۹۸ قضیه خشونت علیه زنان را تشکیل می‌دهد. بر اساس آمار وزارت امور زنان، ۶۵۴ قضیه لت‌وکوب، ۲۲۰ قضیه تفریق، ۱۷۰ قضیه عدم پرداخت نفقه، ۱۵۹ قضیه خشونت خانواده‌گی، ۱۴۵ قضیه فرار از منزل، ۱۲۳ قضیه تعیین سرنوشت، ۶۹ قضیه آزار و اذیت، ۵۹ قضیه توهین و تحقیر، ۲۹ قضیه تهدید به مرگ، ۲۶ قضیه ممانعت از میراث، ۱۰ قضیه لادرک، هشت قضیه نفی قرابت، شش قضیه مجبور به فحشا، سه قضیه بد دادن و دو قضیه خرید به بهانه ازدواج در میان مجموع آمار شش ماه اخیر خشونت‌ها علیه زنان شامل‌اند.

وضعیت زنان اما از زاویه وزارت صحت عامه تصویر متفاوت‌تری دارد، زیرا بیش‌تر زنان ترجیح می‌دهند که بنا بر مصلحت‌های خانواده‌گی، خشونت علیه آنان پوشیده بماند. کبرا پناهی، سرپرست ریاست جندر این وزارت، به روزنامه ۸صبح گفت که ۱۵ هزار و ۵۶۵ مورد خشونت علیه زنان در جریان شش ماه گذشته از سوی نهادهای صحنی سراسر کشور گزارش شده است. بدین ترتیب،

آماری که این نهاد ثبت می‌کند، در واقع چهار برابر آماری است که خود زنان در وزارت امور زنان ثبت کرده‌اند. به گفته وی، بیش‌ترین موارد این آمار در ولایت‌های مرکزی ثبت شده است، اما این آمار موارد قتل را شامل نمی‌شود.

اجرایی‌شدن طرح قرنطین در افزایش خشونت‌های حاد نقش داشته است

مسوولان در وزارت امور زنان می‌گویند که شیوع کرونا، اجرایی شدن طرح قرنطین، بی‌کار شدن برخی از افراد و علاقه‌مند نبودن برخی از اداره‌های ذی‌ربط در راستای چالش‌های فراره زنان از دلایل افزایش خشونت‌ها علیه زنان در شش ماه اخیر است. سخنگوی این وزارت گفت که برخی از زنان به دلیل قرنطین شدن شهرها، برای حل یا رسیده‌گی به خشونت‌های عادی‌شان به این وزارت مراجعه نکردند و این مورد سبب شد که قضایای خشونت از حالت عادی به حالت حاد بدل شود. به گفته بانو دادرس، ادامه خشونت‌ها در جریان روزهای قرنطین سبب شد که برخی از زنان خودکشی کنند یا هم جانب مقابل را مورد خشونت حاد قرار دهند. افزون بر این، مقام‌ها در این وزارت از باز بودن سرحدات برای مجرمان به عنوان یک چالش نام می‌برند، زیرا مجرمان پس از خشونت علیه زنان به کشورهای هم‌جوار فرار می‌کنند یا به مخالفان مسلح می‌پیوندند. بدین ترتیب، سپردن این افراد به دست عدالت، سخت‌تر می‌شود.

به باور رویا دادرس، تنها دادخواهی وزارت امور زنان نمی‌تواند چاره‌ساز مشکلات زنان و رفع‌کننده این خشونت‌ها باشد و نیاز است که همه‌ی اداره‌های مسوول در این راستا ادای مسوولیت کنند. رویا دادرس تصریح کرد که از وزارت امور داخله به عنوان عضو کمیسیون منع خشونت علیه زنان دعوت می‌شود، اما این وزارت در حالی که مسوولیت مهمی بر دوش دارد، علاقه‌مندی چندانی نشان نمی‌دهد. گفتنی است که وزارت امور داخله مسوولیت پی‌گیری مجرمان را به عنوان یک بخش اصلی رسیده‌گی به این قضایا، بر دوش دارد و افرادی که متهم شناخته می‌شوند را باید بازداشت کنند. این وزارت پیش از این نیز در بازداشت حدود هفت هزار متهمی که لوی‌سارنوالی قرار بازداشت آنان را صادر کرده بود، موفق نبوده است.

سخنگوی وزارت امور زنان پیرامون چالش‌های دخیل در روند خشونت علیه زنان افزود که نبود شرایط مناسب، برخی از مسایل ناپسند فرهنگی و به ویژه تطبیق نشدن منظم قانون از دیگر مواردی به شمار می‌آید که افزایش خشونت‌های حاد زنان را در بر داشته است. وی خواستار هم‌آهنگی میان اداره‌ها شد و تصریح کرد که مردم نیز باید از قانون متابعت کنند، زیرا به باور او، دادخواهی این وزارت به تنهایی نمی‌تواند این خشونت‌ها را کاهش دهد.

بانو رویا دادرس افزود که هرچند قانون منع خشونت علیه زنان تطبیق می‌شود، اما متناسب به توقع وزارت امور زنان نیست. وی در این راستا حتا به نقش برخی از اداره‌ها، از جمله وزارت اطلاعات و فرهنگ اشاره کرد و افزود که برای تغییر ذهنیت‌ها در قبال زنان، نیاز است که به مردم در راستای قوانین حمایتی اطلاع‌رسانی شود.

ادامه دادخواهی‌ها؛ زنان نگران آینده‌ی پس از صلح‌اند

وزارت امور زنان می‌گوید که در جریان دو ماه اخیر، دست‌کم برای ۲۲ قضیه دادخواهی شده است که هفت قضیه قتل، دو قضیه خودکشی، چهار قضیه مجروحیت و چهار قضیه حلق‌آویز را نیز شامل می‌شود. به گفته رویا دادرس، ۱۶ قضیه‌ی حاد در ساحه‌ی زیر تسلط حکومت و شش قضیه در مناطق زیر کنترل طالبان قرار دارند. این وزارت اما روند دادخواهی‌اش پیرامون این قضایا را ادامه داده است. بانو دادرس گفت که ۱۰ قضیه آن به معاونت لوی‌سارنوالی در امور منع خشونت فرستاده شده و وزارت امور زنان از رسیده‌گی شدن به این قضایا اطمینان یافته است. افزون بر موارد حاد خشونت‌ها، وزارت امور زنان در مجموع نیز روند دادخواهی، مشوره‌دهی و حل‌وفصل قضایای خشونت علیه زنان را ادامه داده است.

سخنگوی وزارت امور زنان افزود که از مجموع آمار خشونت‌های ثبت شده در شش ماه اخیر، در یک هزار و ۳۹۹ مورد آن مشوره‌های حقوقی ارایه و برای ۳۶۶ قضیه نیز وکیل مدافع رایگان تعیین شده است. افزون بر این، ۳۳۹ قضیه از طریق مصالحه و میانجی حل شده و ۲۰۹ قضیه به دلیل این‌که بُعد جرمی داشته و از صلاحیت اجرایی این وزارت بالا بوده است، برای تصمیم‌گیری به نهادهای عدلی و قضایی فرستاده شده است. در این میان، ۱۶ قضیه در کابل با مصالحه حل شده و در ۷۵ قضیه مساعدت حقوقی صورت گرفته است. افزون بر این، در ۹۰ قضیه تنها به مشوره حقوقی برای حل مسایل کفایت شده است. بانو دادرس اما هم‌زمان با درخواست حمایت بیش‌تر از حکومت، خواستار توجه نهادهای ذی‌ربط نیز است.

در کنار این چالش‌ها، وزارت امور زنان پیرامون وضعیت زنان در جریان روند صلح و پس از آن، نگرانی دارد. سخنگوی این وزارت گفت که زنان در شرایط کنونی با وجود حس کردن امنیت، مورد خشونت قرار می‌گیرند و احتمال دارد که با ورود طالبان و دیدگاه‌های منفی پیرامون زنان، خشونت‌ها علیه این قشر به اوج خود برسد. مسوولان در این وزارت از حکومت می‌خواهند که از زنان، به ویژه وزارت امور زنان به گونه‌ی همه‌جانبه حمایت کند تا آن‌ها بتوانند در برابر خشونت‌ها بایستند. وزارت امور زنان در حالی نگران آینده است که بر اساس آمارهای وزارت صحت عامه، ۹۸ هزار و ۱۱۳ قضیه خشونت علیه زنان از سال ۲۰۱۳ بدین‌سو نزد این وزارت ثبت شده است که آمار شش ماه اول سال روان، حدود ۱۵ درصد همه‌ی آمار هفت سال اخیر را تشکیل می‌دهد.

آیا رییس جمهور وعده‌اش به مردم بادغیس و فراه را عملی می‌کند؟



محمد حسين فيكدهاوه

فراه، سهم‌گیری در ساختار حکومت و تقرر کدراه‌شان در پُست‌های بلندرتبه حکومتی است. اعتراض‌ها در بادغیس چندین روز ادامه داشت و هم‌زمان در فراه نیز معرفی والی جدید، با تاخیر انجام شد.

بر اساس خبرنامه ارگ ریاست جمهوری، رییس جمهور در دیدار با نماینده‌گان ولایت‌های بادغیس و فراه در پارلمان، پذیرفته است که فهرست کدراه‌های معرفی شده توسط آن‌ها را بررسی می‌کند و افرادی که شایسته‌گی داشته باشند، در پُست‌های حکومتی گماشته می‌شوند.

با این وجود، برخی فعالان مدنی به وعده‌های رییس جمهور بی‌باور هستند و تاکید دارند که تاکنون بخش بزرگی از تعهدات انتخاباتی و وعده‌های رییس جمهور در جریان سفر به این ولایت‌ها، عملی نشده است. حدود یک ماه پیش ساکنان شهر قلعه نو، مرکز ولایت بادغیس، به خواست نماینده‌گان این ولایت در پارلمان، با حضور در گردهم‌آیی اعتراضی در میدان هوایی این شهر، مانع نشست هواپیمای والی جدید شدند.

این آغاز اعتراض گسترده‌ای بود که چندین روز ادامه یافت و معترضان برای رساندن صدای اعتراض‌شان به حکومت مرکزی، با لت‌وکوب و اخراج معاون و سرپرست ولایت از دفتر کارش، دروازه ولایت را بستند.

از جانب دیگر، برخی نماینده‌گان بادغیس در مجلس نماینده‌گان مدعی‌اند که فهرست کدراه‌ی این ولایت چند روز قبل و پس از «ویدیوکنفرانس» با مشاور امنیت ملی و رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی، نهایی و در اختیار حکومت مرکزی قرار گرفته بود.

ضیال‌الدین اکازی، نماینده بادغیس در مجلس نماینده‌گان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید خواست اصلی آنان «سهم‌گیری کدراه‌ی بادغیس در حکومت است» و فهرست کدراه‌ی بادغیسی برای گماشته شدن در مقام‌های ارشد حکومتی به حکومت مرکزی سپرده شده است.

همایون شهیدزاده، نماینده فراه در مجلس نماینده‌گان، به این باور است که حکومت مرکزی حقوق ساکنان این ولایت را تلف کرده و محمداشرف غنی و عبدالله عبدالله به وعده‌های کارزارهای انتخاباتی‌شان عمل نکرده‌اند.

از دید معترضان در بادغیس و فراه، رهبران سیاسی مرکز کشور تنها در آستانه‌ی برگزاری انتخابات، برای کسب رأی باشندگان ولایت‌های غربی، به آنان توجه می‌کنند و با سپری شدن انتخابات، وعده‌های‌شان را عملی نمی‌کنند و مردم را فریب می‌دهند، اما این‌بار آنان حق خود را از حکومت می‌گیرند.

جنیدالله اشکانی، از فعالان مدنی بادغیس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که مردم باور زیادی به عملی شدن وعده‌های رییس جمهور ندارند و بخش بزرگی از وعده‌های او در جریان چند سفر به بادغیس و تعهدات کارزارهای انتخاباتی، تا کنون عملی نشده است.

در کنار اعتراض به حضور کم‌رنگ ساکنان ولایت‌های بادغیس و فراه در ساختار سیاسی، کم‌توجهی حکومت مرکزی به مهار ناامنی‌ها و رسیده‌گی به مشکلات امنیتی در این ولایت‌ها، سبب نارضایتی مردم از حکومت شده است.

مهم‌ترین نگرانی مردم در بادغیس و فراه، بدتر شدن وضعیت امنیتی، افزایش خشونت‌ها و شدت گرفتن نبرد است، اما حمدالله محب، مشاور امنیت ملی رییس جمهور، از برنامه‌های امنیتی «شهروندمحور» سخن گفته است که برای حل مشکلات امنیتی ولایات فراه و بادغیس روی دست گرفته شده است.

طی حدود یک ماه اخیر رویارویی ساکنان فراه و بادغیس با حکومت مرکزی تا جایی اوج گرفت که معترضان هشدار دادند، اگر حکومت به خواست‌شان توجه نکند، والیان این ولایت‌ها را اخراج و رابطه‌ی اداره محلی و حکومت مرکزی را قطع می‌کنند.

با این وجود، به نظر می‌رسد پس از فروکش کردن نسبی اعتراض‌ها در بادغیس و برچیده شدن خیمه‌های اعتراضی و باز شدن دروازه ولایت و نیز پذیرش و معرفی تاج‌محمد جاهد به عنوان والی فراه از سوی معترضان فراهی، رییس جمهور حاضر شد با نماینده‌گان مردم دیدار کند.

شاید پرسش اصلی ساکنان ولایت‌های بادغیس و فراه و نماینده‌گان آنان این باشد که آیا رییس جمهور که پیش از این در عملی کردن وعده‌هایش سابقه خوبی ندارد، این‌بار خواست‌های آنان را عملی می‌کند یا بازهم حرف‌هایش عملی نمی‌شود.



احمدضیا فیروزپور

دانش‌آموخته دانشگاه فرای برلین – آلمان

گفت‌وگوهای صلح افغانستان میان هیات جمهوری اسلامی افغانستان و هیات مذاکره‌کننده طالبان در دوحه، پایتخت قطر، یک بار دیگر توجه نهادهای بین‌المللی و کشورهای همکار و حامی افغانستان را جلب کرد، تا جایی که در نشست چند روز پیش شورای امنیت سازمان ملل متحد، شمار زیادی از رهبران کشورهای مهم از جمله ایالات متحده امریکا و آلمان به گفت‌وگوهای صلح افغانستان پرداختند و ابراز خوش‌بینی و امیدواری کردند که جنگ چهار دهه به فرجام برسد و مشکل افغانستان از رهگذر سیاسی حل شود. این گفت‌وگوها که پشتی‌بانی و خوش‌بینی‌های کشورهای منطقه، همسایه و سازمان‌ها و قدرت‌های بزرگ سیاسی، اقتصادی و امنیتی جهان را در پیش دارد، برای افغانستان نیز یک آزمون کلان تاریخی را ایجاد کرده است. آزمونی که از یک سو امیدواری‌ها را برای برگشت آرامش و صلح تازه کرده و در سوی دیگر، نگرانی را از برگشت ساختاری که طالبان در آن فرمان دهند و دست‌آوردهای دو دهه افغانستان را قربانی کنند و نادیده بگیرند، افزایش داده است. در نخستین روز گشایش نشست مستقیم صلح افغانستان، واکنش همه‌ی بازی‌گران سیاسی و جهان‌خوش‌بینانه، مثبت و امیدوارکننده بود. از جمله می‌شود به موقف آلمان در این خصوص توجه کرد؛ کشوری که خود از دل ناسیونالیزم و جنگ‌های کلان بیرون شد و اتحاد را در میان مردمان دو سوی یک دیوار ایجاد کرد و به بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا مبدل شد. با توجه به اهمیت و نقش کشورهای بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی در روند گفت‌وگوهای صلح افغانستان، این نوشته در پی تحلیل جایگاه و نقش آلمان در مساله صلح افغانستان است.

اگر از روابط دوستی بیش از صد ساله افغانستان با آلمان بگذریم، در تازه‌ترین تحولات کشور می‌توان ادعا کرد که سنگ‌بنای دولت و نظام جدید افغانستان با علاقه‌مندی و پشتی‌بانی ژرف آلمان در شهر تاریخی بُن گذاشته شد و طرف‌های ذی‌دخل در مساله افغانستان به اتفاق آرا به تشکیل یک اداره موقت به رهبری آقای کرزی توافق کردند؛ اما در این میان تنها گروه طالبان که تازه با شکست مواجه شده بود، شامل طرف گفت‌وگوها در چگونه‌گی تشکیل نظام جدید نبود و همین مساله در کنار سایر موضوعات سیاسی، منطقه‌ای و داخلی سبب شد که خشونت‌ها و نبرد میان طالبان، نیروهای حکومتی، قوای ائتلاف و ناتو تا بیست سال دیگر ادامه پیدا کند. سرانجام ایالات متحده امریکا را وادار کرد تا با طالبان از رهگذر سیاست و مذاکره وارد شود. هرچند ایالات متحده امریکا در تحولات سیاسی، امنیتی و حکومتی افغانستان نقش رهبری‌کننده و در خیلی موارد تصمیم‌گیرنده نسبت به آلمان و قدرت‌های دیگر را دارا بوده است، اما آلمان در چندین سطح از جمله در روند صلح به سان یک همکار جدی، علاقه‌مند و با نیت نسبتاً انسانی در کنار حکومت و مردم افغانستان قرار داشته است. به لحاظ نظری نیز آلمان افغانستان را یک کشور و بازی‌گر فعال و همکار می‌پندارد و رابطه‌اش را در چهارچوب همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و حمایت از نیروهای نوپای امنیتی افغانستان تعریف کرده است.

با توجه به تجربه جنگ و صلحی که آلمان در دل تاریخ معاصر خود دارد، بیش‌ترین تلاش را در زمینه انتقال تجربه‌اش به طرف‌های گفت‌وگوکننده صلح افغانستان فراهم ساخته و نیز آماده‌گی همه‌جانبه‌ای را برای میزبانی دور دوم گفت‌وگوهای صلح افغانستان نشان داده است. اگر این میزبانی صورت گیرد و منجر به توافقی میان دو طرف حکومت و مخالفان مسلح شود، آلمان را یک بار دیگر در مساله صلح افغانستان، یک بازی‌گر پیروز به معرفی می‌گیرد.

آلمان که بزرگ‌ترین قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و استراتژیک اتحادیه اروپا و عضو فعال سازمان ناتو است، پس از سال ۲۰۰۱ حضور پررنگ و سرنوشت‌ساز در کنار سایر کشورهای ائتلاف در

آلمان و مساله صلح افغانستان

آلمان که بزرگ‌ترین قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و استراتژیک اتحادیه اروپا و عضو فعال سازمان ناتو است، پس از سال ۲۰۰۱ حضور پررنگ و سرنوشت‌ساز در کنار سایر کشورهای ائتلاف در افغانستان داشته و در زمینه‌های مختلف افغانستان را کمک کرده است. به اثر کوشش‌های فروان نهادهای مختلف دولتی، نظامی و سیاسی، آلمان نقش هدفمند و مهمی در راستای تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت صلح، انکشاف و روند حکومت‌داری داشته است.

متحد انجام دهد و یا مستقیم به حکومت مرکزی کابل پرداخت کند؛ چیزی که دست اداره‌های محلی و نهادهای شمال افغانستان را در استفاده از کمک‌های آلمان، کوتاه می‌سازد. افغانستان نسبتاً امن و جایی که کم‌ترین نگرانی امنیتی و دهشت‌افگنی را برای کشورهای جهان از جمله آلمان خلق نکند، چشم‌اندازی است که آلمان در پی آن است. کوشش‌های پی‌گیر آلمان در ابعاد گسترده از جمله تلاش برای ایجاد پولیس افغانستان، سهم‌گیری در روند آموزش و پرورش و پروژه‌های زیرساختی و زیربنایی، آلمان را از سایر همکاران بین‌المللی متمایز می‌سازد.

سومین نشست بین‌الافغانی در مورد صلح اما متفاوت‌تر از نشست‌های پیشین با حضور برخی از چهره‌های سیاسی و نماینده‌گان حکومت افغانستان در قطر برگزار شد. این نشست در شانزدهم و هفدهم ماه سرطان به میزبانی مشترک بنیاد برگ‌آف آلمانی و حکومت قطر در دوحه، پایتخت قطر، برگزار شد. در این نشست، هفده نماینده گروه طالبان و ۵۳ نماینده از اقشار مختلف کشور به شمول نماینده‌گان شورای عالی صلح و مقام‌های پیشین و برحال حکومت افغانستان، روی کاهش میزان تلفات غیرنظامیان گفت‌وگو کردند.

از آغاز زمینه‌سازی برای گفت‌وگوهای صلح افغانستان، آلمان بیش‌تر در نقش میانجی میان طرف‌های جنگ و بازی‌گران بین‌المللی ایفای وظیفه کرده است. به گونه‌ی مشخص از ماه جولای ۲۰۱۹، آلمان نقش میانجی را در مورد نشست‌های قطر برعهده گرفته و در نخستین روز گشایش این گفت‌وگو ضمن اشتراک نماینده ویژه آن برای افغانستان و پاکستان آقای مارکوس پوتزل، وزیر خارجه آلمان نیز در صحبتی با مذاکره‌کننده‌گان، بر حفظ ارزش‌های حقوق بشری، نقش زنان و اقلیت‌ها در جریان گفت‌وگوها و صلح و حمایت هم‌جانبه کشورش تاکید داشت. آلمان پیش از این نیز در جریان گفت‌وگوها و امضای توافق‌نامه صلح میان ایالات متحده امریکا و طالبان، در نقش کمک‌کننده فنی، میانجی و همکار خوب فعال بوده است. آلمان در نهایت در همکاری و حمایت از امریکا در افغانستان نیز حضورش را تعریف می‌کند. به عنوان یک عضو فعال ناتو، پس از حملات ۱۱ سپتامبر، هنگامی که امریکا حملات گسترده را علیه القاعده و طالبان در افغانستان سازمان‌دهی و به این کشور لشکرکشی کرد، آلمان نیز در کنار امریکا ایستاد و هم‌نوایی خویش را با جدیت تمام با همکار استراتژیک خود یعنی امریکا، اعلان نمود.

چنان‌که دیده می‌شود، ایالات متحده امریکا در پی خروج نظامیانش از افغانستان است و مساله جنگ با طالبان را نیز به اتمام رسانیده است؛ اما نگرانی جدی آلمان، دومین کشوری که بیش‌ترین نیروی نظامی را پس از امریکا در افغانستان دارد، از خلای قدرت در کابل و سرنوشت نیروهای نظامیان‌ش در چوکات ماموریت حمایت قاطع ناتو است. اما برعکس ایالات متحده امریکا، آلمان کم‌ترین تلفات انسانی را در جنگ افغانستان داشته است. شمار تلفات نیروهای این کشور، به بیش از پنجاه تن می‌رسد. در کنار این‌همه، آلمان نگران رشد افراطیت دینی نیز است؛ چیزی که این کشور در جامعه خود با میزبانی گروه‌های مهاجر از کشورهای اسلامی از جمله افغانستان و سوریه نیز از آن رنج می‌برد. آلمان زهر تعصب نژادی و دینی را می‌داند و از همین رو، در سیاست خارجی خود با کشورهای اسلامی خیلی با احتیاط برخورد می‌کند، اما سیاست فعال و میانه را در پیش گرفته است. خلاف امریکا، آلمان حتا در جنگ مستقیم با تروریزم



بین‌المللی در افغانستان، بیش‌تر رویکرد اقتصادی به مساله امنیت داشته است، تا نظامی. آلمان در شهرهای شمالی که نیروی نظامی در افغانستان دارد، بیش‌تر با نهادهای، گروه‌ها، سران اقوام و در بسیاری موارد با مردمی که زیر نفوذ طالبان زنده‌گی می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کند و در این راه هزینه‌هایی را نیز متقبل شده است.

آلمان معتقد است که پی‌آمد تروریزم بین‌المللی می‌تواند آسیب کلانی را متوجه برلین و همسایه‌های دور و نزدیک برلین بسازد. روی همین مساله در گفت‌وگوهای صلح افغانستان تلاش می‌کند تا به شکل مستقیم از هیچ طرف در این مساله‌ی حساس، حمایت مستقیم نکند.

عامل دیگری که آلمان را بیش از هر کشور دیگری تشویق به فعالیت در گستره گفت‌وگوهای صلح کرده، مساله مهاجرت شهروندان افغانستان است. آلمان یکی از کشورهایی است که بیش‌ترین شمار مهاجران افغانستانی را در چند سال اخیر میزبانی کرده است. هرچند این مساله در نیاز نیروی کار و نسل کهن آلمان ریشه دارد، اما در کوتاه‌مدت یک درد سر کلان است که آلمان با آن روبه‌رو است. اگر دامنه خشونت‌ها و ناامیدی‌ها در افغانستان بیش‌تر از پیش گسترش یابد، آلمان باز هم مجبور به پذیرش شمار زیادی از پناه‌جویان افغانستانی خواهد شد.

آلمان این تلاش‌ها را نه تنها مستقل، که در خیلی موارد از طریق سازمان‌های مختلف مانند سازمان ملل متحد، ناتو و اتحادیه اروپا در قبال افغانستان انجام می‌دهد. در چند روز گذشته، سفیر اتحادیه اروپا نیز یکی از سیاست‌مداران کارکشته آلمان در کابل گماشته شد تا روند گفت‌وگوهای افغانستان را کمک کند. برخلاف امریکا که رهبرانش حتا حفظ دست‌آوردهای مدنی و دموکراسی نیم‌بند افغانستان را معیاری برای برگشت به صلح با طالبان معیار قرار نمی‌دهند، آلمان به شکل مشخص بر احترام حقوق اقلیت‌ها، حقوق زنان و حفظ ارزش‌های دموکراتیک همواره تاکید داشته است؛ بدین معنا که آلمان از برگشت به گذشته و رشد افراطیت و خشونت در افغانستان نگران است.

سیاست خارجی آلمان در پیوند به مساله افغانستان و مشخصاً در راستای گفت‌وگوهای صلح مبین این است که افغانستان نباید یک بار دیگر به لانه دهشت‌افگنی تبدیل گردد. بدین ملحوظ آلمان با استفاده از همکاری‌های سازمان‌های بین‌المللی و سایر شرکای اروپایی، در پی ایجاد توازن و حفظ ثبات در افغانستان است. آلمان همواره در پی یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز جنگ افغانستان با استفاده از گفت‌وگو بوده است. این مساله بارها در سخنان رهبران آلمانی و در اعلامیه‌های رسمی این کشور دیده شده است. آلمان آرزو و تلاش دارد که تمام اقشار افغانستان را در پروسه صلح بکشد تا تمام مردم افغانستان در روند صلح خود را ببینند. به گونه‌ی مثال مذاهب، جوانان و بانوان در روند صلح افغانستان در قطر خود را ببینند. حکومت آلمان با تجاربی که از نشست‌های قطر به دست آورده، برنامه فعالانه در رابطه به اعتمادسازی و کمک به مذاکرات بین‌الافغانی در دست دارد. اضافه بر این، حکومت آلمان حاضر است نظر به درخواست مستقیم حکومت افغانستان تعهداتش را در رابطه به روند صلح افغانستان ادامه دهد. بازی‌گران سیاسی در افغانستان به شمول حکومت این کشور اعتماد به آن دارند که آلمان، اتحادیه اروپا و همکاران بین‌المللی در جریان روند صلح و بعد از آن باید کمک‌های خویش را توسعه دهند و نقش کلیدی در توافق صلح داشته باشند.

آیا به رسمیت شناختن خط دیورند برای افغانستان صلح به ارمغان خواهد آورد؟

به تاریخ ۸ سپتامبر، یک مقام پیشین وزارت امور خارجه امریکا در توییتی اظهارات خود را پیرامون اختلافات مرزی طولانی‌مدت میان افغانستان و پاکستان منتشر کرد که با واکنش گسترده‌ی سطوح مختلف جامعه افغانستان مواجه شد.

این توییت درست یک روز قبل از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه‌ی قطر و در اوج تنش‌ها منتشر شد.

سیاست‌گران برجسته‌ی ملی افغان به خوبی می‌دانند که خط دیورند یک مرز پذیرفته شده بین‌المللی است. آلیس ولز، معاون وزارت خارجه‌ی امریکا در امور آسیای جنوبی و مرکزی، در توییت‌ر خود نوشت که ادعاهای ملی‌گرایانه یا غیرعقلانی روابط مفید اقتصادی بین دو کشور و مذاکرات صلح را خدشه‌دار می‌سازد.

این توییت در پاسخ به اظهارات امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری افغانستان که گفته بود «هیچ سیاست‌مدار افغان نمی‌تواند از مساله خط دیورند چشم‌پوشی کند، این کار او را در زنده‌گی و پس از مرگ نفرین می‌کند» صورت گرفته بود.

«مساله دیورند نیاز به بحث دارد و انتظار این‌که ما آن را به رایگان هدیه کنیم، غیرواقعی است».

دیدگاه ولز در واقع همه را برای بحث روی موضوعی که همه می‌دانند ولی از آن چشم‌پوشی می‌کنند، در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی فرا خواند.

مساله حل ناشده ۲۶۴۰ کیلومتری خط دیورند بین افغانستان و پاکستان بدون در نظر داشت نتیجه مذاکرات صلح، یک منبع پایدار بی‌ثباتی در افغانستان باقی خواهد ماند.

در حالی که مذاکرات بین دولت افغانستان و طالبان برای رسیدن به یک اجماع روی موضوعات سیاسی داخلی، امنیتی و حقوق بشر در دوحه جریان دارد، اما پاکستان بنا بر عامل مهم به نام «خط دیورند» هنوز به عنوان یک چالش مهم و طولانی‌مدت برای ثبات خارجی افغانستان موجود است.

در همین حال زلمی خلیل‌زاد، نماینده ایالات متحده، از نقش مهمی که پاکستان در تسهیل آغاز روند مذاکرات صلح ایفا کرده است، استقبال کرد؛ اما به نظر بسیاری افغان‌ها ماهیت این نقش در چند دهه گذشته و مناقشه پایدار مرزی ممکن است مانع رسیدن به هرنوع توافق در دوحه باشد.

– اهمیت خط دیورند

سر مورتیمر دیورند، دیپلمات انگلیسی، با امضای معاهده‌ای در سال ۱۸۹۳ با محدود کردن حوزه نفوذ

سیاسی عبدالرحمن خان، پادشاه وقت افغانستان به عنوان منطقه حایل بین منافع انگلیس و روسیه، مناطق مرکزی پشتون‌ها را تقسیم کرد.

افغانستان تا به امروز هرگز دیورند را به عنوان مرز نپذیرفته است. مورخان و حقوق‌دانان افغانستان تاکید دارند که خط دیورند صرفا به منظور شناخت حوزه‌های نفوذ سیاسی ترسیم شده بود نه، به عنوان یک مرز رسمی یک کشور در آینده.

گرچه خط دیورند در سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی به عنوان مرز غربی پاکستان شناخته شده است، اما سرزمین، قبایل و خانواده‌های پشتون را تقسیم کرده و از زمان تاسیس دولت پاکستان تا به امروز یکی از منابع خشونت‌ها و بی‌ثباتی در منطقه می‌باشد.

افغانستان در سال ۱۹۴۷ تنها کشوری در جهان بود که با عضویت پاکستان در سازمان ملل متحد به دلیل به رسمیت نشناختن خط دیورند مخالفت کرد و خواستار حق تعیین سرنوشت برای پشتون‌های ساکن پاکستان شد.

تا زمانی که جنگ در افغانستان ادامه داشته باشد و بر مناطق پشتون‌نشین آن سوی خط دیورند تاثیر بگذارد، صلحی به دست نخواهد آمد.

ابوبکر صدیق، سردبیر وب‌سایت گندهارا و رادیو آزادی اروپا/رادیو آزادی و نویسنده کتاب سوال پشتون: کلید آینده حل ناشده افغانستان و پاکستان، می‌گوید که موضوع حل ناشده دیورند ثبات و رفاه در دو کشور را از بین خواهد برد.

این اختلافات مرزی میان دو همسایه به عنوان یک نقطه ثابت اصطکاک باقی ماند، به ویژه زمانی که پاکستان به بخشی از حوزه نفوذ ایالات متحده در جریان جنگ سرد تبدیل شد.

امضای پیمان دفاعی دوجانبه میان پاکستان و ایالات متحده در سال ۱۹۵۴ و به دنبال آن ایجاد پایگاه هوایی سازمان سیا در شهر پشاور و ورود به پیمان نظامی «سینتو» معروف به پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵، حمایت بین‌المللی پاکستان را در این مورد بیش‌تر تضمین کرد.

دولت افغانستان پس از چندین مرتبه درگیری ناموفق مرزی با پاکستان در سال‌های ۱۹۴۹-۵۰ و دوباره در سال‌های ۱۹۶۰ برای مدت کوتاهی رویکرد جدیدی را برای حل مساله اتخاذ کرد.

محمدموسی شفیق، نخست‌وزیر وقت، که اختلافات طولانی‌مدت آب افغانستان با ایران را حل کرده بود، در سال ۱۹۷۳ از ذوالفقار علی بوتو، رییس جمهور وقت

پاکستان، پیرامون دیورند به طور غیررسمی نظرخواهی کرد.

این روند نوپای سیاسی در جولای همان سال به خاطر سرنگونی شفیق و سلطنت افغانستان طی کودتایی توسط شهزاده محمداودود، مخالف سرسخت خط دیورند، به پایان رسید.

از همان زمان اوضاع بدون تغییر باقی ماند. حتا هنگامی که عبدالرازق، وزیر داخله پیشین طالبان، در سال ۲۰۰۱ در راس یک هیات به پاکستان سفر کرد، خط دیورند را قبول نکرد.

در این اواخر حامد کرزی، رییس جمهور پیشین، نیز معاهده ۱۸۹۳ را به چالش کشیده گفت که خط دیورند را «هرگز به رسمیت نمی‌شناسد».

سیاست‌گران افغانستان در این اواخر گاه از این مورد برای برانگیختن عواطف و عقاید جمعی استفاده می‌کنند؛ اما از این‌که تا حال مساله خط دیورند به صورت رسمی و قانونی مطرح شده باشد، تردید وجود دارد. خط دیورند موضوعی است که در بحث‌ها با پاکستان از آن چشم‌پوشی صورت می‌گیرد.

کاوون کاکر، مشاور حقوقی حامد کرزی و مشاور ارشد وزیر عدلیه می‌گوید: «دو کشور در مورد دیورند مواضع مختلف دارند، اکنون زمان مناسب برای بحث و گفت‌وگو روی این موضوع نیست. برای حل نهایی موضوع، نیاز به یک رابطه نزدیک و سازنده است. دو کشور ابتدا باید مشکلات فوری تروریزم و افراط‌گرایی، تجارت، پناهنده‌گان، عدم مداخله و سایر موارد را از سر راه بردارند».

– بدون حل این موضوع، ثبات تامین نخواهد شد

موضوعات مرزی افغانستان با پاکستان در چهارچوب گفت‌وگوهای صلح فعلی میان طالبان و دولت افغانستان شامل آجندا نشده است. انتظار هم نمی‌رود که این موضوع بتواند مانعی برای هرگونه توافق نهایی صلح ایجاد کند. با این وجود، حل‌وفصل مناقشات بیرون مرزی به اندازه یک توافق صلح داخلی تا زمانی که بی‌ثباتی در آن سوی مرز ادامه داشته باشد، مهم و حیاتی است. بسیاری معتقد اند که حل‌وفصل مساله دیورند برای رفع معضلات بنیادی صلح و ثبات مانند تجارت مواد مخدر، پناهگاه‌های امن برای تروریستان و حمایت مستقیم از گروه طالبان کافی نخواهد بود.

الینا ملکیار، مورخ و سفیر سابق افغانستان در ایتالیا، گفت: «حل‌وفصل مناقشات خط دیورند صلح و ثبات در افغانستان را تضمین نمی‌کند».

هیچ‌گاه با به رسمیت شناختن خط دیورند، پاکستان از

سیاست «عمق استراتژیک» طولانی‌مدت خود، ناشی از ترس از نفوذ هند در افغانستان، دست نخواهد کشید.

اسلام‌آباد تنها با ایجاد یک دولت تحت نفوذ خود در کابل، راضی خواهد شد.

تا زمانی که خط دیورند به تقسیم پشتون‌های دو طرف به دو ملت جداگانه ادامه دهد، نباید انتظار داشت که دولت‌های عمدتاً پشتون افغانستان خط دیورند را به عنوان مرز رسمی پذیرفته و آن را به رسمیت بشناسند. برای افغان‌ها، خط دیورند یک اشتباه تاریخی تلقی شده که بالای آن‌ها از سوی قدرت‌های وقت جهان تحمیل شده است و باید این اشتباه جبران شود، اما این رویا بعید است که به حقیقت مبدل شود.

از جانب دیگر پاکستان این خط را جزوی از تمامیت ارضی خود دانسته و برای اسلام‌آباد حیثیت وجودی دارد.

صرف نظر از موقف کلیشه‌ای افغانستان در مورد خط دیورند، سرانجام پاکستان تصمیم گرفت با سیم‌کشی ۱۲ متری مدرن در مرز ۲۵۶۰ کیلومتری، موضوع را دفن کند.

به گفته امتیازگل، یک تن از تحلیل‌گران مسایل سیاسی پاکستان، کار حصارکشی ۱۳۵۰ کیلومتری در قسمت خیبر پختون‌خواه تمام شده است و کار روی بقیه ادامه دارد.

حصارکشی خط دیورند پیامی است برای افغانستان که این مرز شناخته شده بین‌المللی است و هدف ما حفاظت از آن است.

به هر صورت گفت‌وگوهایی که امروزه در دوحه میان طالبان و دولت افغانستان جریان دارد، یکی از مهم‌ترین طرح‌ها برای صلح از زمان حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ می‌باشد.

با این حال، این گفت‌وگوها برای دست‌یابی به صلح برای مردم رنج‌دیده افغانستان لازم است، اما کافی نخواهد بود.

حفظ ثبات داخلی و جلوگیری از نفوذ خارجی به صورت یکسان مهم و ضروری می‌باشند. با این کار اختلافات چندگانه بین دولت افغانستان و پاکستان حل خواهد شد.

حل‌وفصل مناقشات خط دیورند یکی از دشوارترین موضوعات خواهد بود، ولی همیشه در راس برنامه‌های سیاست خارجی افغانستان باقی خواهد ماند.

ممکن روی موضوع دیورند سازش صورت گیرد، اما همان‌طور که صالح، معاون رییس جمهور در توییت‌ر نوشته بود، «بناید از ما انتظار داشته باشند که ما دیورند را به طور رایگان به پاکستان هدیه دهیم».

زنان و اراده‌ی پیش‌رفت پس از گفت‌وگوهای صلح؛ تنها حفظ دست‌آوردها کافی نیست

فرزند خود نیز آموزش بدهد. از آن‌جایی که زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، باید بسیاری از خطوط سرخ در مذاکرات صلح مربوط به حقوق آنان باشد.

به باور بانو دانش، دولت باید از حق کار زنان حمایت کند و در صورت حضور طالبان در ترکیب حکومت، پست‌های بلند حکومتی به رقابت آزاد گذاشته شود.

شبیکه: به نظر شما طالبان پس از مذاکرات بر توافقات متعهد خواهند ماند؟

دانش: یکی از نگرانی‌های بزرگ شهروندان، پابند نبودن طالبان به تعهدات‌شان پس از توافقات صلح است. برای اطمینان از عملی شدن این تعهدات، نه تنها ایالات متحده‌ی امریکا، بلکه جامعه‌ی جهانی باید از روند مذاکرات صلح نظارت کند و در صورتی که توافقی صورت می‌گیرد، باید از سوی آنان تضمین شود. در بخش تضمین تعهدات، نقش کشورهای اسلامی نیز سازنده است.

به گفته‌ی این فعال حقوق زن، در صورت مشارکت طالبان در حکومت، تحمیل شدن قوانین افراطی این گروه در رابطه با زنان، برای بانوان قابل قبول نخواهد بود.

دارند و به همین دلیل دولت باید در کنار شهرها، به این مناطق نیز توجه کند و حقوق و مزایایی که برای زنان شهرونشین در نظر گرفته می‌شود، در دسترس زنان مناطق دور و روستاها هم قرار بگیرد.

شبیکه: نگرانی‌های عمده‌ی شما در رابطه با توافقات صلح چیست؟

دانش: اگرچه امیدواریم که صلح تامین و آرامش برقرار شود، اما فکر می‌کنم یک بازی در پشت صحنه جریان دارد. ما نباید شاهد یک صلح نمادین باشیم. نگرانی دیگر من در رابطه با دادن سهم به کشورهای منطقه در مذاکرات است. اگر قرار است صلح واقعا بین طرف‌های افغان باشد، افغان‌ها باید صلح کنند و به هیچ کشور دیگری سهم داده نشود. نگرانی دیگر من و تمام زنان این است که طالبان اجازه‌ی حضور زنان در اجتماع را ندهند؛ این هرگز برای ما قابل قبول نیست.

شبیکه: به نظر شما چه مسایلی باید از خطوط سرخ تیم دولت در مذاکرات باشد؟

دانش: مساله‌ی کار و تحصیل زنان باید از خطوط سرخ دولت باشد. هم‌چنان خشونت و تبعیض علیه زنان باید متوقف شود. اگر زنی تحصیل‌کرده باشد، می‌تواند به

شبیکه: در کنار حفظ و تقویت دست‌آوردها، خواست‌های دیگر زنان که باید در گفت‌وگوها مورد بحث قرار بگیرد، چیست؟

دانش: توقف خشونت‌ها یکی از این خواست‌ها است، زیرا زنان از جمله گروه‌هایی‌اند که بیش‌ترین قربانی را در جنگ داده‌اند. خواست دیگر ما این است که دختران و زنان با خیال آسوده به مکتب و دانشگاه بروند، امنیت‌شان تامین باشد و امکانات بیش‌تری به آنان داده شود.

شبیکه: ارزیابی شما از میزان آگاهی زنان ساکن ولایات از حقوق‌شان چیست؟

دانش: وقتی با بانوان در مناطق دوردست در مورد حقوق زن صحبت می‌کنیم، یک حالت تهاجمی به خود می‌گیرند و ما را تهدید می‌کنند. آنان می‌گویند حرف‌های ما در اسلام نیست. این زنان از حقوق خود به صورت درست آگاهی ندارند. برخی زنان در ولایت‌هایی چون ننگرهار، پکتیا و کنر زنده‌گی خوبی ندارند و دلیل آن رسوم ناپسندی چون ازدواج اجباری، بد دادن و موارد دیگر است.

بانو دانش می‌افزاید که زنان در پایتخت و بزرگ‌شهرها وضعیت بهتری نسبت به مناطق دوردست و روستاها



گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر
با نفیسه دانش، فعال حقوق زن

شماری از فعالان حقوق زن به این باورند که اگرچه زنان افغانستان پس از سقوط طالبان، با وجود شرایط دشوار دست‌آوردهای زیادی داشته‌اند، اما این دست‌آوردها برای آنان کافی نیست و برای حضور معنادار در حوزه‌های مختلف به پیش‌رفت نیاز دارند.

نفیسه دانش، فعال حقوق زن در گفت‌وگویی با شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر (از این به بعد «شبکه») می‌گوید که دست‌آوردهای زنان پس از توافقات صلح باید تقویت شود. «طالبان باید درک کنند که ما می‌خواهیم در مذاکرات صلح راه را برای حقوق و آزادی‌های بیش‌تر زنان باز کنیم».



سیدقاسم اخبراتی

مشاور رسانه‌ای معینیت مبارزه با مواد مخدر

مواد مخدر در کنار ناامنی، یکی از چالش‌های بزرگ مردم افغانستان است. مواد مخدر به عنوان یکی از عوامل افزایش خشونت‌ها و بی‌ثباتی در افغانستان و منطقه می‌باشد.

اکنون که بعد از چند دهه جنگ و تباهی فرصت گفت‌وگوهای صلح میان افغانان مساعد شده، بهتر است از این فرصت تاریخی برای پایان جنگ استفاده کنیم. بعد از فروپاشی رژیم طالبان، افغانستان در مسیر تحول و پیش‌رفت قرار گرفت و اکنون بعد از دو دهه با وجود کاستی‌ها، رهبری و مفهوم زنده‌گی در کشور تغییر یافته است. امروز میلیون‌ها دختر و پسر به مکتب و دانشگاه می‌روند. امروز زنان در رهبری و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور حضور دارند.

امروز در منطقه و جهان، بیرق سهرنگ افغانستان قد کشیده است. اما آن‌چه که در پروسه‌ی گفت‌وگوهای صلح در کنار مباحث زنان، ارزش‌های دموکراتیک و حفظ دست‌آوردهای دو دهه‌ی پسین مهم است، مواد مخدر است.

چرا مواد مخدر؟

دولت افغانستان پس از دو دهه تلاش و مبارزه در برابر مواد مخدر، هنوز در این حوزه با مشکلات بزرگ دست‌وپنجه نرم می‌کند. متأسفانه بخشی از شهروندان کشور به این مصیبت بزرگ گرفتاره آمده‌اند و با وجود دست‌آوردهای بزرگ پولیس مبارزه با مواد مخدر در این امر، اما آسیب‌پذیری‌های‌مان هم‌چنان جدی است. مواد مخدر در چند محور عمده در بحث صلح مطرح باشد:

خلوت‌گاه قاچاق‌بران جهانی

مواد مخدر در ساحاتی که طالبان و گروه‌های هراس‌افگن حضور دارند، کشت و ترافیک می‌شود. سال‌ها است که این ساحات به خلوت‌گاه هراس‌افگنان و قاچاق‌بران ملی و بین‌المللی مبدل شده‌اند. پولیس مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله با عملیات‌های منحصر به خود در ولایات مختلف در ساحات تحت نفوذ طالبان بیش‌ترین مراکز تولید و پروسس مواد مخدر را از بین برد. این مراکز به صورت تخصصی در تولید و دسته‌بندی انواع مواد مخدر فعالیت داشت.

متأسفانه طالبان و هراس‌افگنان مردم را به زور وادار به کشت مواد مخدر می‌سازند. افزایش و تولید کشت مواد مخدر در سال‌های پسین حکایت از کم‌توجهی جهان در

شتاب‌زده‌گی همیشه‌گی کشورهای جنوب

در نیمه‌ی قرن بیستم و در نتیجه‌ی تقسیم ایالت پنجاب به دو قسمت هندی و پاکستانی، کمپلکس اداری جدیدی در هند به نام شان‌دیگار به وجود آمد. جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند، به دلیل این‌که این پروژه نمادی از استقلال جدید هندوستان به شمار می‌رفت، علاقه و توجه خاصی نسبت به آن نشان می‌داد و از مشهورترین معمار و شهرساز سبک بین‌الملل، لوکور بوزیه، دعوت به عمل آورد. پاکستانی‌ها در مقابل، معمار یونانی سبک بین‌الملل، دوکسیادیس را می‌طلبند. اینک شان‌دیگار و اسلام‌آباد دو یادگار از آن رقابت تاریخی بین دو ملت باقی مانده‌اند. علی‌رغم منفعت‌های کثیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، این دو شهر هرگز خواسته مطلوب مقامات خویش را برآورده نساختند. در واقع مقامات دو کشور در نظر داشتند با مصرف هزینه‌های هنگفت از بودجه ملی و واردات یک‌باره شهرسازی و معماری مدرن و پیاده‌ساختن آن در یک نمونه موردی یا آزمایشگاه زنده شهری، از آن در ایجاد و ارتقای دیگر شهرهای خود الگوگیری کنند.

علاوه بر هند و پاکستان تقریباً اکثر کشورهای در حال توسعه همین رویه را پیش بردند. در این دوره، مقامات افغانستان دوکسیادیس را به کابل دعوت کردند. امروزه ما جز چند پروژه کوچک معماری و طراحی، چیز دیگری از او نمی‌دانیم. یک دهه بعد، گروه معتبری از شهرسازان امریکایی برای طراحی

مواد مخدر و گفت‌وگوهای صلح



سود سرسام‌آور از فروش و قاچاق مواد مخدر، ماشین جنگی‌شان را برای اهداف بلندمدت ویرانی در کشور ما فعال نگه‌داشته‌اند. با این حال چندی پیش اداره سیگار و پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحده امریکا نیز اعلام کرده بودند که طالبان سالانه ۱/۵ میلیارد دالر از رهگذر مواد مخدر درآمد دارند.

با استناد به همه‌ی گزارش‌های ملی و بین‌المللی، مواد مخدر به عنوان بزرگ‌ترین منبع درآمد طالبان و هراس‌افگنان در افغانستان، ادامه‌ی حیات جنگی این گروه از لحاظ مالی را تضمین کرده می‌تواند. بنابراین پرداختن به این بحث در جریان گفت‌وگوهای صلح، از اولویت‌های عمده باید باشد.

نقطه‌ی فشار

شما می‌دانید که طالبان پس از سال‌ها ویران‌گری و خشونت با فشار جامعه جهانی و مخصوصاً امریکا حاضر شدند وارد گفت‌وگوهای صلح شود.

طالبان در این سال‌ها جنایت‌های بی‌شماری را مرتکب شدند، از کشتار افراد بی‌گناه، آتش زدن مراکز آموزشی، از بین بردن تأسیسات عامه و تخریب جاده‌ها تا مبدل‌سازی زمین‌های زراعتی و حاصل‌خیز به مزارع مواد مخدر و همین‌طور زمینه‌سازی برای حضور قاچاق‌بران بزرگ ملی و منطقه‌ای در افغانستان که باعث معناد شدن و تباهی میلیون‌ها شهروند کشور به مواد مخدر شده است، خیانت و جنایت بزرگی را مرتکب شده‌اند.

پرداختن به بحث مواد مخدر و افزایش جنایت و این خیانت بزرگ طالبان در برابر مردم افغانستان، می‌تواند یک نقطه‌ی فشار بر طالبان باشد. مسوولیت ما و جهان است که از کنار مواد مخدر که عامل اصلی‌شان طالبان می‌باشند، رد نشویم و طالبان مسوولیت دارند در برابر این جنایت‌شان پاسخ دهند.

نظام‌مند ساختن شهرسازی و آینده توسعه شهرهای افغانستان

شهرسازی موفق ظاهر شده‌اند، اما مشکل واقعی وقتی ظاهر می‌شود که دولت به واسطه‌ی تعدد مسایل و ناتوانی در حل مشکلات شهرها، دچار تناقض داخلی شود. یکی از شایع‌ترین این تناقضات در سلسله‌مراتب تهیه و تصویب طرح‌های توسعه شهری به وجود می‌آید. به طور مثال در سال ۲۰۱۸، چارچوب طراحی شهری کابل توسط مقام محترم ریاست جمهوری افغانستان تایید شد، در حالی که پروژه استراتژی و پلان فضایی (آمایش سرزمین) کشور هنوز در دست تهیه است. چگونه می‌شود برای یک منزل اتاق، مطبخ و... طراحی کرد، در حالی که دیوارچینی و پشت بام و درب ورودی نداشته باشد. خوش‌بختانه ما یک رییس جمهور خوب داریم که ۶ جلد کتاب قطور را دقیق مطالعه کرده و آن طرح را تایید کرده است، ولی برای فرایند تهیه و تصویب و اجرای صدها و بلکه هزارها طرح متنوع شهری خرد و کلان در افغانستان چه سازوکار نهادی پیش‌بینی شده است؟ برای اجرای تنها همان طرح، چه برنامه‌ای دارد؟

آینده توسعه‌یافته‌گی شهرهای افغانستان

شکی نیست که برای داشتن یک کشور قدرت‌مند، نیازمند شهرهای قوی هستیم. برای داشتن شهرهای قوی، نیازمند برنامه‌هوشمندانه‌ای در ساختار متناسب و صحیح خواهیم بود تا بتوانیم به توسعه انسانی و تمام خواسته‌های مشروع اقتصادی، سیاسی و مدنی خود برسیم. اما تداوم روند کنونی حکومت‌داری

محمدامین بیانی، کارشناس ارشد طراحی شهری

شهری در افغانستان، فقط به جنبه‌های مجهول و مبهم شرایط می‌افزاید که در نهایت منجر به ناامیدی از نظام، خروج سرمایه و حتا آماده‌گی برای پذیرش طالبان می‌شود.

امروزه توسعه شهرنشینی به عنوان یک هدف والای ملی، نیازمند رویکردهای نوین است. ابتدا باید قوانین ما از بالاترین سطح یعنی قانون اساسی تا پایین‌ترین سطح یعنی قوانین محلی، رفع ابهام شوند. پرداختن مفاهیم عمده اداره شهر مانند شورای شهر و دهات، ملاحظات مناطق شهری و صنعتی و تاریخی و... ضروری است؛ حتا بسیاری از قوانین و مقررات شهرسازی تدوین، بازنویسی و بازنگری شوند. تشکیلات اجرایی مناسبی برای تحقق آن فراهم گردد. با انجام این کار و تقسیم وظایف به دو سطح ملی و محلی، ما ساده‌ترین مدل نظام شهرسازی را خواهیم داشت، به نحوی که حکومت مرکزی در مقیاس کلان نقش سیاسی خود را برای ایجاد تعادل و توازن در توزیع فعالیت‌ها و خدمات و بهره‌برداری عادلانه‌ی تمام اقشار ساکن در کشور از خدمات موجود برعهده بگیرد و ادارات محلی با توجه به اهداف ملی به مقوله توسعه و انکشاف هدایت شوند.

بنابراین هریک از شهرهای ما باید در سه بُعد «طراحی قوانین»، «تهیه طرح شهری» و «تشکیلات اجرایی» خودکفا باشند؛ زیرا هر شهر و هر سکونت‌گاه نیازمند اداره، مدیریت و برنامه‌ریزی مخصوص به خود است. از طرفی مشارکت مردم محلی در امر توسعه که همواره نادیده گرفته شده، تنها در یک برنامه توسعه محلی ممکن می‌شود. در نهایت به قطعیت باید گفت که همه‌ی این برنامه‌ها به یک گام نخست، قطعی و اساسی نیازمند است، یعنی انتخابات شهرداری‌ها!



در ميز مذاكرات چه كسانى براى منافع افغانستان چانه مى‌زنند؟ از بن تا دوحه؛ جزييات موضوعات مورد بحث هنوز محرم است



اعضای هیات حکومت افغانستان برای مذاکرات بین‌الافغانی است تا وی با سابقه و تجربه‌ی اشتراک در کنفرانس بن، به مصاف چانه‌زنان گروه طالبان برود.

اکنون که وی در جمع اعضای هیات مذاکره‌کننده در دوحه‌ی قطر حضور دارد، به دو اختلاف اساسی بین هر دو طرف مذاکره اشاره می‌کند، اما از آن‌جا که بحث روی هردو مورد جریان دارد و هنوز نهایی نشده است، آقای ناطقی از توضیح بیش‌تر خودداری می‌کند و می‌گوید جزییات این موضوعات هنوز محرم است. آقای ناطقی جو مذاکره را سخت توصیف می‌کند، اما امیدوار است که به مرور زمان و با گفت‌وگوها بیش‌تر، همه چیز در مسیر درست به حرکت ادامه دهد.

آقای ناطقی خلاف اکثر کسانی که در جریان تحولات سیاسی و نظامی کشور بوده‌اند و اما در مورد چشم‌دیدهای‌شان از تحولات چیزی ننوشته‌اند، دارای تالیفات متعدد در خصوص حوادث دست‌کم چهار دهه‌ی اخیر از جمله کتاب «سال‌های تغییر» در دو جلد است که چاپ و نشر شده است. همین‌طور محمد ناطقی ده‌ها مقاله نوشته و صدها مصاحبه با رسانه‌های داخلی و خارجی در طی سال‌های گذشته دارد. وی به چهار زبان دری، پشتو، عربی و انگلیسی صحبت می‌کند و با زبان آلمانی نیز آشنایی دارد.

افغانستان و عضو هیات اتحادیه شمال یعنی دولت اسلامی افغانستان، به حیث عضو اصلی کنفرانس بن ۲۰۰۱ انتخاب می‌شود. آقای ناطقی در آخر خزان و آغاز زمستان ۱۳۸۰ تمام اسناد کنفرانس بن را به عنوان عضو اصلی امضاء می‌کند.

کنفرانس بن حکومت‌داری پس از یازده سپتامبر در افغانستان را بر اساس درصدی نفوس اقوام سهمیه‌بندی کرده است که بیش‌تر اعضای احزاب می‌توانند کرسی‌های سهمیه‌بندی شده‌ی قومی در حکومت را احراز کنند. در این کنفرانس میزان نفوس هزاره‌های کشور نوزده تا بیست درصد کل جمعیت تخمین شده است.

چهارم؛ با شکل‌گیری حکومت انتقالی افغانستان، آقای محمد ناطقی با نماینده‌گی از حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و با سهم هزاره‌ها به حیث سفیر کبیر افغانستان در کوریای جنوبی موافقت‌نامه می‌گیرد، اما افغانستان در این کشور سفارت ندارد که آقای ناطقی آن‌جا اعزام شود. در سال ۱۳۸۲ آقای ناطقی به حیث سفیر کبیر افغانستان در لیبیا حکم مقررۍ خود را می‌گیرد و با عنوان سفیر غیرمقیم در چند کشور شمال آفریقا برای مدت پنج سال تا ۱۳۸۶ انجام وظیفه می‌کند.

از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ زمانی که آقای ناطقی عنوان مشاوریت وزارت خارجه را دارد، با استفاده از تجربیاتی که در زمان سفارتش در کشورهای آفریقایی به دست آورده است، در بخش شمال آفریقا و ممالک عربی وظیفه انجام می‌کند.

پس از تشکیل حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴ آقای ناطقی به حیث رییس کمیسیون عالی نظارت از توافق‌نامه حکومت وحدت ملی منظوری خود را می‌گیرد و تا انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹ در این موقف باقی می‌ماند.

پنجم؛ بهار ۱۳۹۹ است و نام آقای ناطقی در فهرست

محمد ناطقی با اخراج از عراق، تحصیلاتش را متوقف نمی‌کند. او در شهر مشهد ایران سکونت می‌گزیند و در آن‌جا وارد دانشگاه آزاد اسلامی می‌شود تا مدرک ماستری خویش را در رشته‌ی فلسفه و سیاست از این دانشگاه به دست بیاورد.

دوم؛ کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ اتفاق افتاده است و کشور دچار هرج‌ومرج بی‌سابقه شده است. آقای محمد ناطقی در آوان جوانی و زمانی که فقط ۲۴ سال دارد، به همکاری هفت تن از دوستانش گروه سیاسی مستضعفین را تشکیل می‌دهد.

تشکیل گروه سیاسی مستضعفین آغازگر فعالیت‌های سیاسی آقای ناطقی می‌شود و او در سال ۱۳۵۸ به حیث عضو شورای رهبری سازمان نصر انتخاب می‌شود. هم‌زمان با تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان که سازمان نصر را نیز در بر می‌گیرد، محمد ناطقی عضو شورای مرکزی حزب و در عین حال سخنگوی سیاسی حزب در خارج (اروپا، کشورهای عربی، ایران و پاکستان) تعیین می‌شود.

در ماه میزان ۱۳۷۵ است که رژیم طالبان به لحاظ نظامی بر اکثریت خاک افغانستان مسلط می‌شود، اما دولت اسلامی افغانستان به ریاست جمهوری آقای برهان‌الدین ربانی هم‌چنان به عنوان دولت مشروع افغانستان، در سازمان ملل به رسمیت شناخته می‌شود.

بر همین مبنا زمانی که دولت اسلامی افغانستان در تخر و ولایات شمالی کشور مستقر است، آقای محمد ناطقی در سال ۱۳۷۶ به حیث و زیر تجارت مقرر می‌شود و تا خزان ۱۳۸۰ در همین سمت باقی می‌ماند.

سوم؛ پس از حادثه یازدهم سپتامبر حاکمیت رژیم طالبان در مدت کوتاهی از سوی نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده امریکا ساقط می‌شود. زمانی که کنفرانس بن می‌رود تا برای سرنوشت پس از یازده سپتامبر افغانستان تصمیم بگیرد، محمد ناطقی به نماینده‌گی از حزب وحدت اسلامی

اشاره: هیأت مذاکره‌کننده صلح ۲۱ عضو دارد. آن‌ها مسوولیت سنگینی در زمینه جنگ و صلح افغانستان بر عهده گرفته‌اند. آشنایی مردم با آن‌ها بسیار مهم است. از این رو، روزنامه ۸صبح در نظر دارد تا هر یک از اعضای هیأت مذاکره‌کننده صلح را

با تهیه شناس‌نامه آن‌ها به مردم معرفی کند. این کار به نوبت و در شماره‌های مختلف انجام خواهد شد.



فاطمه فرامرز

یکم؛ متولد سال ۱۳۳۳ در ولسوالی پنجاب ولایت بامیان در مرکز کشور است و آقای محمد ناطقی مانند اکثر مردم مناطق هزاره‌نشین که فرزندان‌شان آموزش را از مسجد و نزد ملا آغاز می‌کنند، تازه شش‌ساله است که برای آموزش‌های مقدماتی نزد ملای قریه در مسجد حضور می‌یابد. از آن‌جا که در آن سال‌ها دولت نمی‌توانست امکانات آموزش نوین را در روستاهای ولایات فراهم سازد، خانواده‌ی آقای ناطقی تصمیم می‌گیرند که وی را برای آموزش در سطوح بالاتر به بیرون از کشور بفرستند. در سال ۱۳۴۸ که آقای ناطقی فقط هجده سال دارد، راهی عراق می‌شود تا در حوزه‌ی علمیه سیدعوض واقع در نجف به تحصیل بپردازد. او در عراق از آموزش‌های فقهی آغاز می‌کند و سپس در رشته‌ی فلسفه، حقوق و فقه اسلامی تا سویه لیسانس تحصیل می‌کند.

درست زمانی که آقای ناطقی می‌خواهد برای تحصیل در سویه‌های بالاتر، از مدرسه سیدعوض به مدرسه ایده‌آلش که جامعه التحف باشد، منتقل شود، از سوی حکومت صدام مجبور می‌شود که عراق را ترک کند. دلیل اخراج آقای ناطقی از عراق تغییر سیاست حکومت صدام حسین در خصوص تبعه‌های خارجی مقیم عراق است. آقای ناطقی همراه با شش‌صد غیرعراقی دیگر یک‌جا دستگیر و ناچار می‌شوند که خاک عراق را ترک کنند.

تاریخچه انتخابات در ایالت اورِگن امریکا

کیوان شکوری

ایالت اورِگن (Oregon) به مرکزیت سیلِیم (Salem) در شمال‌غربی امریکا با داشتن طبیعتی بسیار زیبا در تاریخ ۱۴ فبروری ۱۸۵۹ میلادی به عنوان سی‌وسومین ایالت به ایالات متحده امریکا پیوست. پُرتلند و یوجین از شهرهای مهم آن هستند.

جمعیت این ایالت ۴٬۲۱۷٬۷۳۷ تن است که ۷۵.۱ درصد سفیدپوست، ۱۳.۴ درصد اسپانیولی‌زبان یا لاتین‌تبار، ۴.۹ درصد (Asian) آسیای شرقی، ۲.۲ درصد سیاه‌پوست، ۱.۸ درصد سرخ‌پوست و بومیان آلاسکا، ۰.۵ درصد بومیان هاوایی و دیگر جزایر اقیانوس آرام و ۴ درصد دیگر نژادها هستند.

از سال ۱۸۶۰ تاکنون (سپتامبر ۲۰۲۰) به تعداد ۴۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایالت اورِگن برگزار شده که ۲۴ دوره جمهوری‌خواهان، ۱۵ دوره دموکرات‌ها و یک دوره مربوط به سال ۱۸۹۲ آرا بین حزب جمهوری‌خواه و حزب مردم تقسیم شد. تا سال ۱۹۸۴ میلادی ۳۲ دوره این انتخابات برگزار شد که جمهوری‌خواهان با ۲۴ دوره در مقابل دموکرات‌ها با هفت دوره برتر بودند، اما از سال ۱۹۸۸ میلادی هشت دوره این انتخابات برگزار شد و همه‌ی این هشت دوره را دموکرات‌ها برنده شدند. در واقع جمهوری‌خواهان در طول تاریخ این انتخابات برتر هستند، اما در حال حاضر با توجه به برنده شدن دموکرات‌ها در تمام هشت دوره انتخابات اخیر، یک ایالت دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری است.

در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در

تاریخ تقریباً با هم برابر بوده، اما از سال ۱۹۸۷ تا کنون هر پنج فرمان‌دار از حزب دموکرات بوده‌اند و این ایالت را باید در انتخابات فرمان‌داری یک ایالت با گرایش زیاد به دموکرات‌ها دانست.

نتیجه:

با توجه به این‌که جمهوری‌خواهان در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری با ۲۴ دوره برتر از دموکرات‌ها هستند، اما دموکرات‌ها همه‌ی هشت دوره اخیر این انتخابات را برنده شدند و جمهوری‌خواهان با ۲۴ سناتور در برابر ۱۷ سناتور دموکرات در طول تاریخ برتر هستند، اما هر دو سناتور حال حاضر این ایالت دموکرات هستند و مجدداً جمهوری‌خواهان با ۳۳ نماینده در مقابل دموکرات‌ها با ۲۹ نماینده در طول تاریخ مجلس نماینده‌گان برتر هستند، اما از پنج نماینده حال حاضر این ایالت در مجلس نماینده‌گان امریکا چهار تن دموکرات می‌باشند و در نهایت دموکرات‌ها با کمی سابقه بیش‌تر در فرمان‌داری و این‌که هر پنج فرمان‌دار اخیر از دموکرات‌ها بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که ایالت اورِگن در طول تاریخ جمهوری‌خواه بوده، ولی به طور میان‌گین از ۲۵ سال قبل گرایش به دموکرات‌ها در این ایالت زیاد شده و هم اکنون یک ایالت کاملاً دموکرات می‌باشد.

می‌باشند. Ronald L. Wyden و Jeff Merkley دو سناتور حال حاضر اورِگن در مجلس سنا می‌باشند.

از سال ۱۸۵۹ تا کنون (سپتامبر ۲۰۲۰) مجموعاً ۶۲ نماینده از ایالت اورِگن راهی مجلس نماینده‌گان امریکا شدند که ۳۳ تن جمهوری‌خواه و ۲۹ تن دموکرات بودند. درست است که جمهوری‌خواهان دست برتر در طول تاریخ این انتخابات دارند، اما در حال حاضر از پنج نماینده این ایالت در مجلس نماینده‌گان امریکا، چهار تن دموکرات و یک تن جمهوری‌خواه می‌باشند و Peter Defazio از حزب دموکرات یکی از نماینده‌گان حال حاضر این ایالت است که از سال ۱۹۸۷ تاکنون در این مقام است و با ۳۳ سال سابقه حضور یکی از باسابقه‌ترین نماینده‌گان حال حاضر مجلس امریکا می‌باشد.

از سال ۱۸۵۹ به تعداد ۳۷ تن به مقام فرمان‌داری ایالت اورِگن رسیدند که ۲۰ تن جمهوری‌خواه، ۱۶ تن دموکرات و یک تن مستقل بودند و بعضاً بیش از یک دوره در این مقام بودند. نکته‌ای که وجود دارد، این است که مجموع ۲۰ فرمان‌دار جمهوری‌خواه ۷۷ سال ساکن دفتر فرمان‌داری بودند، اما ۱۶ فرمان‌دار دموکرات تقریباً ۷۹ سال ساکن بودند. با این محاسبه می‌توان هر دو حزب را در طول تاریخ تقریباً با هم برابر دانست. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، هر دو حزب در طول